



الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله اعلان كوالالامپور

پیش‌گفتار (جزء از اعلان نیست)

اعلان كوالالامپو يكي از نتايج كنفرانس سالانه مجمع كوالالامپور است كه به تاريخ 27، 28 و 29 نومبر 2015م، در ماليزيا به سرپرستي دوكتور محمد مهاتير برگزار شده بود. در اين كنفرانس شماری زيادی از علماء، مفكرين وسياستمداران كشورهای اسلامی مختلف گردهم آمده، اوضاع امت اسلامی را برای سه روز مورد بررسی قرار دادند. در اين كنفرانس اوضاع متشنج، غير مستقر و سختی كه در تعدادی از كشورهای اسلامی مانعی در راه آزدي ها و تحقق يافتن انتقال دمكراتيك به شكل كه ضامن حقوق همه باشد، بگونه ویژه مورد بحث قرار گرفت. مشاركين مناسب دیدند تا اعلامیه‌ی را به عنوان «اعلامیه كوالالامپور» نشر نموده بوسیله آن طرف‌های مؤثر در اوضاع را مخاطب قرار دهند. نصیحت كنند و به آنچه باید انجام شود ياددهانی كنند. تا اينكه وضعیت بهتر شده و بحران‌ها پایان يابند. اين اعلامیه برای آن تهیه شده است، تا به صد شخصیت مؤثر در سطح جهان اسلام توسط هیئت‌های از دبیرخانه عمومی، نمایندگان، علماء و مفكرين مجمع كوالالامپور رسانیده شود. در ضمن اين اعلامیه باید به وسیله میزگردها و كنفرانس‌های خبری به اطلاع عموم نیز رسانید شود.

برای نوشتن اين اعلامیه چندین ورکشاپ در روز آخیر كنفرانس برگزار شد كه، نتیجه آن بسته‌ی از توصیه‌ها بود. فشرده آن در اعلامیه‌ی به زبان رئیس كنفرانس دوكتور مهاتير محمد در جلسه پایانی قرائت شد. ضمنا موافقه شد تا يك كمیته اعلامیه تفصیلی را با استناد به بسته توصیه‌ها و با فرصت تهیه بدارد. به تاريخ 18



جنوری 2016م، میزگردی با حضورداشت نصف شرکت کنندگان کنفرانس دائر شد، پس از بهینه سازی اعلامیه آنرا بگونه ذیل نشر نمودند:

اعلان کوالالامپو

ما، مشارکین کنفرانس کوالالامپور برای اندیشه و تمدن به تاریخ 27، 28، 29 نومبر 2015 میلادی در مالیزیا:

- با در نظرداشت اینکه الله متعال تنوع و تفاوت را یکی از سنن هستی و اجتماعی تا روز رستاخیر گردانید است: (لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ). المائدة: 48.
- و برای اینکه الله متعال به انسان کرامت داده، برای زندگی او، احترام و قداست مقرر نموده است: (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا) سورة الإسراء: 70، همچنان: (مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ) المائدة: 32.
- و اینکه آزادی اساس تکلیف، و سبب مشروع شدن حکم و امامت است، و کسی بدون رضایت ایمان نمی آورد، و کسی که مردم نخواهند پیشوا نمی شود، و هیچ حاکمی بدون مشوره مردم کسی را بالای آنها مقرر نمی کند: (وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ) یونس: 99، و قول الله متعال: (لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ) البقرة: 256، و قول الله متعال: (وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ) الشورى: 38، و قول رسول الله صلی الله علیه وسلم: ((ثلاثة لا ترتفع صلاتهم فوق رؤوسهم شبراً: رجل أم قوماً وهم له كارهون.. الحديث)) حدیث حسن رواه ابن ماجه. یعنی:

سه کس اند که نماز آنها قبول نمی شود؛ کسی که امامت قومی را بکند در حالیکه او را نمی پسندند (...).

- واینکه الله متعال به عدالت امر نموده آنرا ویژگی حتمی مؤمنین و شرط اساسی برای درستی حکام و مسلمان‌ها در تمامی حالات و ظروف قرار داده است. حتی در حالت رضا و عدم رضا، همراه با اهل و خویشان، یا دشمنان و بیگانه‌ها: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا) النساء 58، و قول الله متعال: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوْا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا) النساء 135، و قول الله متعال: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلنَّفْقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ) المائدة: 8. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: ((ما من عبد یستر عیه الله رعیة فیموت یوم بموت وهو غاش لرعیته، إلا حرم الله علیه الجنة)) رواه البخاری. ترجمه: به هر کسی که الله مسؤولیت رعیتی را بدهد، سپس در حالیکه آن کس فوت کند به رعیت خود خیانت کرده باشد، الله جنت را برایش حرام می کند.

- واینکه الله متعال برای مسلمان حرام نموده است که حقوق برادر مسلمان خود را پامال کند. کینه ورزی و پشت کردن به یکدیگر را حرام نموده است. و مسلمان‌ها را به همدستی و عدم منازعه امر نموده است: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ) آل عمران: 103، و رسول الله صلی علیه وسلم فرمودند: ((كل المسلم على المسلم حرام: دمه وماله وعرضه)) رواه مسلم. ترجمه: تمام چیز مسلمان بر مسلمان حرام است. خویش، مالش و ناموسش.

- با در نظر داشت اینکه امنیت و استقرار از بزرگترین نعمت های الله متعال برای بندگانش است که در قرآن کریم ذکر نموده است. آنرا با رزق و نمو مرادف نموده، راهی برای نشر حق، دین و فضیلت گردانیده است: (وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ) البقرة: 126، وقول الله متعال: (فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ) قریش: 3 - 4، و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: ((مَنْ أَصْبَحَ مِنْكُمْ آمِنًا فِي سِرْبِهِ ، مُعَافَى فِي جَسَدِهِ ، عِنْدَهُ قُوتٌ يَوْمِهِ ، فَكَأَنَّمَا حِيزَتْ لَهُ الدُّنْيَا)) رواه البخاري في الأدب المفرد. ترجمه: آنکه از شما صبح نماید، در حالیکه در جان خود ایمن بوده و در جسدش سالم است و توشه‌ی روز خود را داشته باشد، گویی تمام دنیا به وی داده شده است.

- برای اینکه امر به معروف و نهی از منکر و تقدیم نصیحت یکی از اصول دین می باشد، و اینکه تفاوت افکار و تحمل آن از اسباب خیر در میان مسلمانان است، و زمین را از فساد دو رنگه می دارد: (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ) آل عمران: 110، وقول الله تعالى: (وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ) البقرة: 251، و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: ((الدين النصيحة- ثلاثا- قلنا: لمن يا رسول الله؟ قال: لله ولكتابه ولرسوله ولأئمة المسلمين وعامتهم)) رواه مسلم. ترجمه: دین خیرخواهی است. گفتیم: برای کی؟ گفت: برای الله، کتاب، رسولش، رهبران مسلمان ها و عامه آنها.

- اینکه مسلمان ها همه یک جسد اند، الله متعال آنها را به اهتمام باهمی امر نموده است و آنها امتی جداگانه اند: (وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُوا) المؤمنون: 52، وقول الله تعالى: (أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) الحجرات: 10، و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: ((مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ: مَثَلُ

الجسد، إذا اشتكى منه عضو: تَدَاعَىٰ لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى) ((أخرجه البخاري ومسلم. ترجمه: مثل مسلمانها در محبت و رحمت و مهربانی شان به همدیگر مانند یک جسد است، که هرگاه عضوی از آن بدرد آید، دیگر اعضای جسد در تب و بیدار خوابی با آن همراهی می کنند.

- با نگاه به اینکه الله متعال جهان هستی را به انسان مسخر نموده، به آن ویژگی شنیدن و دیدن، و عقل داده است تا اسرار جهان را درک کند و از آن مستفید شود: (وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) الجاثية: 13، وقول الله متعال: (وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُم السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ) سورة المؤمنین: 78. با نگاه به برتری علم و مقام علما، و نقش خرد و تفکر در تحقیق پیشرفت، به اساس فرموده الهی: (قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَىٰ خِزْفٍ ثُمَّ تَذْكُرُونَ) سبأ: 46، و(يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ) المجادلة: 11، وقول رسول الله صلى عليه وسلم: ((إذا مات ابن آدم انقطع عنه عمله إلا من ثلاث: صدقة جارية، وعلم ينتفع به، أو ولد صالح يدعو له)). رواه مسلم عن أبي هريرة، ترجمه: چون انسان بمیرد (ثواب) عمل او قطع می گردد، جز از سه چیز: صدقه جاریه، علمی که از آن سودی برند، فرزند صالحی که برایش دعا کند.

- و چون الله متعال مؤمنان را به سیر در روی زمین امر نموده است، و به آن دستور داده است تا ابزار توانمندی را جمع آوری کنند، تا در برابر دشمنان از آن استفاده نمایند: (وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ) التوبة: 105، همچنان: (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ) الأنفال: 60.

- و چون تغییر در پی سنت های اجتماعی که به اراده انسان و رغبت او به اصلاح نفس به وجود می آید و مدد الهی برای هر آنکه تلاش و کوشش بخرج دهد حتمی است: (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ)



الرعد: 11، همچنان: (إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ) (هود: 88)، و (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ) محمد: 7.

- و چون مفهوم ملی و گردآمدن بر مشترکات ملی، که مسلمان و غیر مسلمان را در بر میگیرد، یک دیدگاه قانونی اسلامی اصیل است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در میثاق مدینه آنرا اساس گذاشتند.
- و با در نظر داشت اوضاع اخلاقی، تمدنی، دینی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مخالف با مفاهیم اسلامی گذشته که مسلمان ها در آن بسر می برند.
- و با نگاه به پسمانی، سیر قهقرائی تمدن، سستی شدید در عرضه تکنولوژی، دنباله روی به نیروهای جهانی ستمگر، معطل ساختن علم، فکر و اجتهاد، و اوضاع فقر، بدبختی، و جهل که مسلمان ها در آن بسر می برند.
- و چون جهان اسلام دارای عمق تمدنی و تاریخی بزرگ، موقعیت استراتژیک مهم و منابع طبیعی فراخ است، این موارد زمینه پیشرفت و ترقی را فراهم نموده، منافع امت را برآورد می سازد. این خود زمینه ساز صلح و امنیت برای همه خواهد شد.
- با نگاه به کشمکش های خونین، پراکندگی وسیع و وضعیت فاجعه بار که امت اسلامی عموماً و جهان عرب خصوصاً از آن میگذرد.
- با نگاه به جنگ ها و مواجهات سختی که در بدنه امت جاریست و چیزی جز فاجعه بر ضد امت، بویژه توده های ضعیف، اطفال، زن ها و بزرگ سالان نمی آفریند.
- و اینکه تسلط و هیمنه بعضی ها در سرنوشت مردمان، چیزی است که در تاریخ بشر به استقرار و پیشرفت منتهی نمی شود.
- و چون پروسه انتقال دموکراتیک در کشورهای عربی با چالشهای متعدد روبرو است. آزادی و کرامت خواهی مردم با زور مقابله می شود، احزاب و گروه های مردمی با پراکندگی، بی اعتمادی و تفرقه سردچار اند.



- و چون توده های مردمی فراخ تا هنوز در راه آزادی قربانی می دهند، در این راه پایداری می کنند، در مقابل ستمگری ها استادگی می کنند. در مقابل توده های زیادی منفی گرائی و بی کاری را شغل خود کرده اند، واکنش و مشارکت آنها در روند جهانی کم رنگ است.
- و چون ملت های که به اتفاق همگانی رسیده، به آن احترام و در راستای عملی کردنش کوشیده اند، به رضایت مردمی هم رسیده اند و ترقی و پیشرفت را رقم زده اند.
- و چون کشورهای با حکومت داری خوب، مردم سالاری و ضمانت حقوق، در جهان اسلامی و غیر اسلامی، رهبری می شوند، تمدن خود را محقق نموده در راه پیشرفت و استقرار گامزن شده است.
- پس ما با تمام مسئولیت و علاقه مندی کامل به منافع امت اسلامی، تمام توده های سیاسی، فکری و مذهبی را بسوی موارد ذیل فرا می خوانیم:

نخست: نهادهای سیاسی رسمی:

- 1- مسئولیت پیشرفت کشورهای خود را دارند. باید ابزارهای نیروی علمی، اقتصادی و دفاعی را به سطح جهان برای کشورهای خود آماده کنند. این امر فقط با عملی کردن معیارهای معاصر جهانی برای حکومت داری خوب ممکن است. ریشه های آن هم در تمدن اسلامی از لحاظ نظر و عمل موجود است.
- 2- این نهاد ها مسئولیت نگه داری ملکیت های عامه را بدوش دارند. باید مسئولیت پذیر و امانت دار باشند. از فساد دوری نموده با تمام انواع آن مبارزه کنند و مفسدین را از نهادهای حکومتداری و تأثیر گذاری دور کنند.
- 3- پاسداری کرامت انسانی، ضمانت آزادی های فردی و اجتماعی برای تمام کشورها. التزام به اصل شورائیت، تطبیق قاعده های دیموکراتیک،



- حکومتداری عادلانه، زمینه سازی برای نشر نصیحت، امر به معروف و نهی از منکر. قبول محاسبه نهادینه و اجتماعی.
- 4- پابندی به حرمت خون، مقدم دانستن استقرار به حکمرانی، پاسداری از حقوق همسایگان، تلاش برای اتحاد امت و راه اندازی تعاون و تکافل در میان اجزای آن.
- 5- اتکاء به گفتگو و مذاکره در حل مشکلات دولت های اسلامی، دوری از جنگ ها و کشمکش ها. عدم بکارگیری ابعاد مذهبی، گروهی و نژادی برای تحریک مردم، به غرض های سیاسی و حکمرانی. ممنوع کردن کمک گرفتن از بیگانه در اختلافات داخلی.
- 6- تلاش جدی برای تطبیق مبادی شریعت اسلامی، سهمگیری در پیشکش نمودن بدیل های تمدنی برای امت، در عرصه های مختلف عمومی، برای منفعت مسلمان ها و تمام بشریت. تشویق نیروهای مؤسساتی برای سهمگیری در آن.
- 7- احترام علماء، فرصت دادن به آنها و پابندی به نصیحت های شان. اعتماد به آگاهان و استعدادها در اداره شؤون امت.
- 8- استادگی در پهلوی قضیه فلسطین، تا حقش اداء شود و در مقابل آن هیچ معامله صورت نگیرد.

دوم: علماء و دعوتگران

- 1- علماء مسؤولیت اجتهاد، تجدید و نوسان سازی منظومه فکری و فقهی اسلامی را بدوش دارند. بگونه که با ضروریات زمان همخوانی داشته، در مقابل چالشهای موجود در عرصه های مختلف ایستادگی کند. آنها باید مجامع فقهی را که اجتهاد جماعی را ضمانت می کند ساخته و پیشرفت دهند.



2- مذاهب فقهی را باید رشد بدهند، در میان آنها تواصل و تکامل را عملی کنند. از کشمکش های مذهبی دوری نموده آنرا به اسلام و مسلمان ها خطر بزرگ بدانند.

3- توده ها را بسوی آنچه خیر دنیا و آخرت است رهنمائی کنند؛ به سوی آنچه که کشور، ملت و بشریت نفع می رساند. آنها را قوی بسازند، به مثبت گرائی و رفتارهای تمدنی تربیه کنند. آنها را به سهمگیری در امور عامه آشنا نموده همیشه با قضایای عادلانه و در رأس آن قضیه فلسطین مرتبط نگه دارند.

4- در راستای اصلاح نفس کار کنند. در صلح میان مسلمانها کوشا شوند. محبت، مودت و برادری را در بین مردم مروج کنند.

5- پابندی به دعوت حق در حکم شرعی، عدم همسان سازی فتاوا و آراء فقهی مطابق به خواهش حکام، یا فشارهای عمومی و منافع شخصی. ایستادن در پهلوی حق و اهل آن، نصیحت حکام، با حکمت و موعظه حسنه با تمام وسائل ممکنه.

6- ایستادن در مقابل تشدد، و راهکار تشدیدی بشکل واضح. چون سببی نا قراری امت و خدشه دار شدن چهره اسلام می شود، مقدرات جوامع را متلاشی میکند و نظامهای مستبد به بهانه مبارزه با دهشتگردی حکمرانی میکنند. سبب مداخله قوای خارجی می شود. چهره جهاد متمدن را که حرکت های اسلامی راه اندازی می کنند، خدشه دار می کند. در این امر باید معالجه فکری، پاسداری شرعی بویژه در میان جوانان مراعات شود.

7- در مقابل اندیشه های ویرانگر و مخالف با اسلام باید ایستادگی شود. در مقابل جریان های الحادی و اباحی ویرانگر برای خانواده و جامعه مقابله شود. در این امر هم باید معالجه فکری، عملی و اجتماعی باشد. بویژه در میانه های مردمی جوانان.

سوم: نخبه های فکری و سیاسی، احزاب و نهادهای جامعه مدنی:



- 1- مسؤولیت این جریانها این است که پایه های رقابت سالم و شریفانه را بگذارند. از کشمکش های سیاسی و نهاد محور که سبب از هم پاشی استقرار وطن می شود دوری کنند. از ابزارهای بیانی که سبب شعله ور شدن کشیدگی های مذهبی می شود دوری کنند. از آنچه دشمنی و کینه را در میان مسلمانها نشر می کند دوری کنند.
- 2- ایجاد اندیشه های بدیل، غنا سازی آن، رقابت بالای برنامه ها و پروسه ها، سهمگیری در بلندکردن مستوای سیاسی و فکری توده ها. تشویق آنها به بیان اراده، سهمگیری و تاثیر گذاری در تحولات کشور هایشان و در سطح جهانی با وسائل مختلف.
- 3- آراسته شدن با شفافیت، احترام مردمی، قبول نتایج دموکراتیک، نشر فرهنگ آزادی در میان صف، رد ائتلافهای انتقامی تصفیوی، رد همقدمی با نظامهای فاسد و ظالم به غرض منفعت های تنگ.
- 4- نكوهش افراط با تمام انواع آن، چه افراط لیبرالی علمانی متصادم با مفاهیم اصیل آزادی و دیمکراسی و ارزشهای تمدنی امت باشد، یا افراط دینی متصادم با مفاهیم صحیح اسلامی و تهدیدگر برای آرامی امت و امنیت آن. هردو را باید پدیده بیگانه از حقیقت و سرشت جوامع اسلامی دانست.
- 5- تلاش برای تحقیق توافق و توثیق فرصت های مشاورت. محقق نمودن ائتلاف های که به منفعت عامه باشد. بویژه در اثناء بحرانها و اوضاع بغرنج.
- 6- مبارزه با فساد و ایستادگی در مقابل هیمنه و حکمرانی با نصیحت و با راهکارهای میسر سیاسی و اجتماعی مسالمت آمیز گوناگون و استقامت بر آن.
- 7- فشار بالای نظام های حاکم، در قبول اصلاح و تغییر به منظور پروسه های جدی و پلان شده تا اینکه انتقال دموکراتیک متفقانه صورت بگیرد.



- قانع ساختن حکام به این که دموکراسی به منفعت همه است و هزینه اش برای همه کمتر از هزینه زورگویی است.
- 8- فراخ سازی نهادهای جامعه مدنی غیر حکومتی، بلند بردن سطح کارکرد آنها، تنوع آوری در تخصصات آنها چون مؤسسات خدمتگذار به پروسه های مختلف بیدار امت، فعالیت در تربیه مثبت و مؤثر در ساختار نیروی جوامع و محقق کردن توازن و تکامل با نظام های حاکم.
- 9- رسانه ها مسئولیت تأثیر گذاری در دیدگاه توده ها، تشکیل اساس فکری، ارزشی و اخلاقی مردم را بدوش دارند. آنها باید با اساسات حرفه ای کار کنند. در رشد ذوقها و دیدگاههای جوامع اسلامی سهم داشته باشند؛ بگونه‌ای که با ارزش ها و تمامیت آن در تصادم نباشد، بلکه سطح درک آنها را بلند ببرد و از بی پروائی و ذهن شوئی نگه داری شان کند.

چهارم: حرکات اسلامی:

- 1- مسئولیت نیرو، انتشار، تأثیر گذاری، نیروی سیاسی و اجتماعی رهبری کننده در بسیاری کشورهای اسلامی و عربی را بدوش داشته باشد.
- 2- اندیشه اش را تجدید کند، مقاربات تنظیمی، نمونه های اداری، رهبری، روابطی خود را تجدید کند بگونه که برای مقابله با چالش های جدید که در سطح جهانی در عرصه های مختلف، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با آن مواجه است مناسب باشد.
- 3- در توزیع وظائف مختلف باز بینی کند، بویژه آنچه مربوط تمیز وظیفوی بین دعوتگر و حزبی می شود. و بسوی تخصص مؤسسوی برود تا بتواند با ترکیز، شکوفائی و ابتکار به کار خود ادامه بدهد و از تمام نیروهای خود در تخصصات گوناگون مستفید شود.
- 4- در رسانیدن پیام خود به جوانان کوشا باشد. آنها را اهل عمل نموده برای ادای نقش رهبری در مؤسسات خود آماده کند. بگونه که تکامل رهبری



روان در میان نسل ها دوام داشته باشد. باید برای تقدیم نمودن کدرهای زنانه تلاش نموده آنها را برای سهمگیری در نهضت امت در عرصه های مختلف کمک کند.

5- به روابط همیشگی با توده ها علاقه کامل داشته باشد، به آن نزدیک و در مقابلشان فروتنی کند. مردم را بسوی انجام برنامه خود فرا طلبد، به آنها دیدگاه دهد و در عرصه های مختلف تربیه شان کند تا با مثبت گرائی و فعالیت عمل کنند.

6- برنامه ها و کارکرد خود را رشد دهد، بگونه که منافع عامه را محقق کند. بدیل‌های خوب را به اساس علم و واقعیت پیش کند. با اسلوب آسان و معاصر که جوابگوی ضروریات و توجهات مردم باشد.

7- صبر پیشه کند، در سیاست مسالمت آمیز و برنامه تمدنی خود پایدار باشد و به مبارزه خود برای رسیدن به هدف با وجود هر نوع مشکلات ادامه بدهد.

8- صف خود را محکم کند. حالت های پراکندگی را که در بعض موارد وجود دارند رفع کند. کارهای خود را مطابق راهکارهای اداری معاصر منظم کند تا تکامل و تعاون صورت بگیرد و حجم تاثیرش بلند شود و برنامه های تمدنی آن به منفعت کشور و ملت پیشرفت کند.

9- به توافق به عمل مشترک ملی علاقه داشته باشد. تا حد ممکن در چوکات منفعت عامه و آنچه به آرامی کشورها کمک کند، مبادی و ارزش های جامعه را نگه دارد و از آزادی و کرمیت انسان پاسداری کند؛ علاقه مند همکاری با نیروهای مختلف ملی، مردمی و رسمی باشد.

10- اولویت را به دست‌آورد قطری بدهد. در میان ولاء به وطن و انتساب به امت توازن برقرار کند. میکانیزم تنسیق جهانی را رشد بدهد، بگونه که در خدمت اهداف مشترک باشد؛ به اساس علنیت، قانونیت، شفافیت، قواعد دموکراتیک و منفعت کشورها و امت اسلامی.



پنجم: جمهور عربی و اسلامی

- 1- آنها باید به تحقق التزامات علمی، فکری، تربیه ای، اخلاقیات تمدنی و مناسب با سترگی دین اسلام علاقه کامل داشته باشند.
- 2- در پروسه تغییر نقش داشته باشند، در اصلاح بوسیله سهمگیری فعالانه شریک باشند. در عرصه های مختلف امور عامه سهیم باشند و این را از باب پابندی به نصیحت، امر به معروف و نهی از منکر انجام بدهند.
- 3- در نمو و پیشرفت کشورهای خود سهم بگیرند، برای آن کار کنند و تلاش نمایند. در سطح اقتصادی و سطوح دیگر بشکل رضاکارانه، فعالیت جامعه مدنی و انواع فعالیت های دیگر تلاش کنند.
- 4- در پهلوی حق و اهل آن ایستاده شوند، در برابر ظلم، فساد، هیمنه دکتاتورانه ایستادگی کنند. البته با وسائل مسالمت آمیز، که منفعت داشته باشد نه ضرر و ضامن آرامی و امنیت کشورهای اسلامی باشد.
- 5- از گروه های متشدد و دهشت آفرین دوری کنند. چون آنها ابزار خطرناک برای ضربه زدن به اسلام و اهل آن شده اند و از سوی نیروهای ظلم و استبداد از داخل امت و یا دشمن های بیرونی در رهبری آنها مداخلت می شود.
- 6- محافظ امنیت و استقرار کشورهای باشند که در آنها به شکل اقلیت ها، زندگی می کنند. در رشد آن کشورها بگونه مهاجر، پناهنده و مسکن گزین سهم بگیرند. با اهل آن در محبت و دوستی زندگی کنند و از پیشرفت عملی و اداری آنها استفاده کنند.
- 7- با قضایا عادلانه همکاری کنند، به امور همدیگر توجه داشته باشند. در اوضاع سخت با هم تعاون و تکافل داشته باشند، هرچند از هم دور باشند و هرچند اوضاع قطری خودشان مشکل و پیچیده باشد. قضیه فلسطین و مسجد اقصی مرکز توجه و قضیه اساسی آنها باقی بماند.